

بررسی پیدایش پارچه و لباس در ایران و جهان

طیبه سلیمانی ساردو

کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، ایران

چکیده

پارچه ماده ای نرمش پذیر است که از شبکه ای از الیاف طبیعی یا مصنوعی (معروف به نخ) تشکیل شده پارچه را از طریق بافتن، کش بافی، قلاب بافی، گره زدن یا فشردن الیاف به هم درست می کنند. پارچه ها از نظر مواد به کار رفته انواع گوناگون دارند از جمله نخی، پنبه ای، پشمی، ابریشمی. غیره... به بخشی از بازار که پارچه فروشی ها در آن قرار دارند بازار بزاها گفته می شود. پارچه بافی پیشروترین صنعت ایران و دنیای اسلام بوده که به تدریج بسیار گسترده شده و در تاریخ ایران دستگاه- های بافندگی متنوعی به چشم می خورد. این پژوهش به صورت توصیفی و کتابخانه ای انجام شده و با توجه به انجام مطالعات گوناگون سعی شده به بررسی پیدایش پارچه و لباس در ایران و جهان پرداخته شود. از طرفی برای ارتقای کارایی پارچه مورد استفاده در دوخت انواع البسه از مواد تکمیلی استفاده شده تا با ویژگی هایی که این الیاف دارند بتواند به ارتقاء خواص آن (ضد بو و باکتری) کمک شایانی نماید.

واژه های کلیدی: پارچه، البسه، نساجی

مقدمه

کاوش‌ها و پژوهش‌های دانشمندان و پژوهشگران در صد ساله‌ی اخیر نشان داده است که ایرانیان از پیشتازانی بوده‌اند که به کار بافندگی پارچه پرداخته‌اند. حتی ساکنین ایران باستان در دوره‌ی دوم سنگ (یا به اصطلاح عصر حجر میانی) با فن پارچه‌بافی آشنا بوده‌اند. برای اثبات این واقعیت، بهترین گواه؛ سفال‌ها، نگین‌ها و مهره‌هایی‌اند که بیش از هشت هزار سال قبل از میلاد در ژرفای خاک‌های این مرز و بوم جا گرفته‌اند. پروفیسور کارلتون کن که برای اداره‌یکل باستان‌شناسی کار می‌کرد، ضمن کاوش‌هایی در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۲۹ (۱۹۴۹ تا ۱۹۵۰) در غاری موسوم به غار کمر بند در نزدیکی دریای کاسپین، پارچه‌هایی به دست آورد که ثابت می‌کند اقوام ایرانی از همان آغاز غارنشینی، پشم گوسفند و بز را به صورت پارچه می‌بافتند. آزمایش‌هایی که با کربن ۱۴ بر روی پارچه‌ها انجام گرفت، نشان داد که قدمتشان به ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد. بافتن و دوختن تن پوش از جمله نیازهای نخستین بشر بوده است، ولی این که در چه زمانی تن پوش گیاهی و سود جستن از پوست نباتات و حیوانات برای پوشش بدن، به صورت تن پوش پارچه‌ای درآمد و بشر پیروز به فراگرفتن فن بافندگی شده است به درستی روشن نیست. در فلات ایران همراه با دیرینه‌ترین نشان‌های زندگی بشر، نشانه‌ها و ابزارهایی از فن بافندگی به دست آمده که می‌رساند از چندین هزار سال پیش، تیره‌های ایران باستان، با فن ریسندگی و بافندگی آشنایی داشته‌اند.

گیرشمن می‌نویسد: «شمار شایان نگرش، چنبره‌های دوک که از گل رس یا از سنگ ساخته شده، در سیلک کاشان، نشان آن است که انسان قدیم، مبادی صنعت بافندگی را می‌شناخته است.

ایرانیان باستان، رفته رفته در صنعت ریسندگی و بافندگی چیرگی یافتند، در روزگار مادها این صنعت پرارزش، خود دانشی را برپا می‌کرده است، زیرا در روزگار مادها، پارچه و پوشش‌های گوناگون علفی، پوستی و پشمی، چه از دیدگاه جنس و مواد نخستین آن و چه از دیدگاه رنگ آمیزی و نقش و نگار، دریافت و طرح پدیدار بوده است.

ایرانیان باستان، سرآمد پوشاک و پارچه در جهان به شمار می‌روند ایرانیان از بیش از ۱۰ هزار سال پیش دارای تمدن بوده‌اند. از این رو، ریشه‌ی بسیاری از دستاوردهای بشر را در این تمدن می‌توان یافت. برای مثال، نخستین ابزار ریسندگی و بافندگی در غار کمر بند، نزدیک بهشهر، یافت شده است که به ۷ هزار سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. به علاوه، در قدیمی‌ترین بخش‌های شهر باستانی شوش، که در خوزستان قرار دارد، سوزن‌های سوراخ دار پیدا شده است. این دستاوردهای و نوآوری‌های دیگری که در دوران‌های بعدی رخ داد، صنعت پارچه و پوشاک ایران را پیشتاز و سرآمد جهانیان کرد. جالب است بدانید اسکندر مقدونی، با آن که به ایران حمله و آن را اشغال کرده بود، لباس ایرانی می‌پوشید. در این جا به برخی از نوآوری‌های ایرانیان در زمینه‌ی پوشاک و پارچه اشاره می‌شود.

- پارچه

ماده‌ای انعطاف پذیر است که با ایجاد یک شبکه بهم پیوسته از نخ یا الیاف ایجاد می‌شود، که با مدل قرار گیری الیاف خام (از منابع طبیعی یا مصنوعی) به طول‌های بلند و پیچیده تولید می‌شود. سپس منسوجات با بافتن، بافندگی، قلاب بافی، گره زدن، خراشیدن، نمدمالی، چسباندن یا بافندگی این نخ‌ها به هم شکل می‌گیرند. منسوجات به هر ماده‌ای گفته می‌شود که از الیاف گره خورده ساخته شده باشد، که ممکن است لزوماً در تولید کالاهای بعدی مانند پوشاک و اثاثیه یا لوازم داخلی استفاده نشود. پارچه به موادی گفته می‌شود که از طریق بافندگی، پهن کردن، نمدمالی، دوختن، قلاب بافی یا باندینگ ساخته می‌شوند که ممکن است در تولید محصولات بعدی مانند لباس و روکش ملی مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین به

مرحله بعدی تولید نیاز دارد. پارچه همچنین ممکن است به طور مترادف با قماش استفاده شود، اما اغلب به طور خاص به یک قطعه پارچه ای که پردازش یا برش خورده است، اشاره دارد. اساس هر پارچه نساجی است که در آن الیاف نمدی یا تابیده به نخ تبدیل می شود. نخ را می توان بافت تا یک پارچه را تشکیل دهد. ماهیت پارچه به رنگ و نوع منسوجات موجود در فرهنگ بستگی دارد. زمانی وجود داشت که فقط الیاف طبیعی موجود بود و بنابر این انتخاب ها به پشم، پنبه، ابریشم و کتان محدود می شد. در واقع منسوجات حیوانی هنوز هم رایج ترین منسوجات در جامعه ما هستند. ابریشم و پشم نمونه های خوبی از منسوجات حیوانی هستند. منسوجات گیاهی از پنبه، کاه، چمن، کتان یا بامبو و منسوجات معدنی از الیاف شیشه، ازبست یا الیاف فلزی ساخته می شود. (صفاریان، ۱۳۹۱)

کلمه ی نساجی از صفت لاتین *textilis* به معنای بافته شده است که خود از *textus* که قسمت سوم فعل *texere* به معنای بافندگی است ناشی می شود.

کلمه "پارچه" نیز از زبان لاتین گرفته شده و ریشه در زبان هند و اروپایی دارد. این کلمه از انگلیسی قدیمی گرفته شده است به معنی مواد بافته شده یا نمدی برای دور هم پیچیدن.

پارچه دفن بانتون، قدیمی ترین نمونه موجود از ایکات تار در جنوب شرقی آسیا است که در موزه ملی فیلیپین به نمایش درآمد. این پارچه به احتمال زیاد توسط مردم بومی آسیا در شمال غربی *Romblon* ساخته شده است. اولین لباس هایی که حداقل ۷۰ هزار سال پیش و شاید خیلی زودتر پوشیده شده بودند، احتمالاً از پوست حیوانات ساخته شده بودند و به محافظت از انسانهای اولیه در برابر عناصر کمک می کردند. در برخی از مواقع، مردم بافتن الیاف گیاهی را به منسوجات یاد گرفتند. کشف الیاف کتان رنگ شده در غاری در جمهوری جورجیا به تاریخ ۳۴۰۰۰ سال قبل از میلاد نشان می دهد که مواد نساجی مانند از اوایل دوره پارینه سنگی ساخته شده اند. در دهه ۱۹۴۰، سرعت و مقیاس تولید منسوجات تقریباً فراتر از شناخت توسط صنعتی سازی و معرفی تکنیک های مدرن تولید، تغییر کرده است.

-البسه

لباس؛ که ایرانی ها به آن پوشاک، تن پوش و جامه هم می گویند (عبارت است از هرآنچه که بر روی بدن پوشیده می شود. لباس و پوشاک معمولاً از پوست حیوانات یا سایر ورقه های نازک (در دوران های باستان و ادوار مختلف تاریخ) و یا از پارچه یا منسوجات مختلف طبیعی و مصنوعی (در عصر حاضر) ساخته می شود. پوشیدن لباس از ویژگی های مخصوص انسان و همه جوامع بشری و فرهنگ ها است. میزان و نوع لباس پوشیده شده به جنسیت، نوع بدن، ملاحظات اجتماعی و جغرافیایی بستگی دارد. (موسوی، ۱۳۸۵)

لباس از مواد بسیار متنوعی ساخته شده است، از چرم و خز گرفته تا پارچه های بافته تا الیاف طبیعی و مصنوعی، به صورت های مختلف و در فرم های ساده، ارزان، گران و مجلل. از پوست و خز حیوانات بیشتر در دوره های ماقبل تاریخ استفاده می شد اما هنوز هم طراحان از آن استفاده می کنند و جزء کالاهای گران قیمت است. اگر چه بسیار کمتر از گذشته از خز و پوست حیوانات استفاده می شود، اما باز هم از نظر کمپین های حقوق حیوانات و آزادی حیوانات، بی رحمی و کاری ظالمانه تلقی می شود. (ستاری، ۱۴۰۲)

-نساجی

نساجی به معنای ریسندگی یا بافندگی، هنر بافتی است که در آن برای تولید پارچه، دو مجموعه ای مجزا از تار در قطعه ی پارچه به صورت طولی، و رشته‌های پود در عرض از این سو به آن سو می‌روند. دانش نساجی در مورد الیاف و نخ‌های کاربردی در صنایع نساجی، پارچه‌های بافته‌شده، منسوجات بی‌بافت، پوشاک، کاربردهای نساجی در سایر صنایع، روش‌های تولیدی و کنترل کیفی مرتبط، به تحقیق می‌پردازد. صنعت نساجی در بخش‌های تولید الیاف نساجی مصنوعی، تولید نخ از الیاف طبیعی یا الیاف مصنوعی یا ترکیبی از آنها، تولید پارچه بافته شده از نخ، تولید منسوجات بی‌بافت از الیاف یا نخ، رنگرزی پارچه، چاپ پارچه و تکمیل کالای نساجی، تولید منسوجات خاص مورد نیاز در سایر صنایع، فعالیت‌های مشترک، تحت عنوان «خوشه»، فعال است. (توکلی، ۱۳۸۹)

تاریخچه پیدایش پارچه در ایران

پیشینه بافت پارچه در ایران به هزاره‌های پیش از میلاد می‌رسد. نمونه‌های قدیمی بسیاری نیز در کاوش‌ها به دست آمده است.

دوک نخ ریزی اولین وسیله پارچه بافی است که الیاف را به نخ تبدیل می‌کند. تکامل این وسیله نقش مهمی در پیشرفت فن نساجی داشته و مقدمه پیدایش چرخ نخ ریزی بوده است. یافته‌ای باستان‌شناسی نشان دهنده استفاده دوک از دوره نوسنگی است.

در بسیاری از محوطه‌های باستانی عصر نوسنگی ایران دوک‌های متعددی یافت شده‌اند. مه‌ری به دست آمده از محوطه چغامیش خوزستان متعلق به ۳۳۰۰ ق م که زنی را در حال نخ ریزی نشان می‌دهد. دستگاه بافندگی وسیله بعدی است که تاریخ ابداع آن به اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رسد. بر روی مه‌ری که از شوش به دست آمده است، دو نفر در کنار دستگاه بافندگی نقش شده‌اند که نشان دهنده وجود این حرفه در آغاز عصر شهرنشینی است. این دستگاه یکی از دستاوردهای تاریخ تمدن است که تمدن‌های ایران، چین، سوریه و مصر در تکامل آن سهم بسزایی داشته‌اند. کار دستگاه بافندگی درهم تنیدن تار با پود است. دستگاه بافندگی تارها را به حالت کشیده نگاه می‌دارد تا پودها را به آن ببافند. نخستین بافته یافت شده از تپه یحیی در کرمان، متعلق به هزاره پنجم قبل از میلاد و از نخ‌هایی است که از الیاف حیوانی به دست آمده‌اند.

با این حال علاوه بر دوره هخامنشیان که بافت پارچه‌های زربفت ایرانی مشهور بوده و در بافت آنها از الیاف ابریشمی و پشمی و... استفاده می‌شده است، دو دوره دیگر نیز در طول تاریخ گذشته ایران وجود دارد که هنر پارچه بافی به حد کمال خود رسیده بود و از برترین پارچه‌های تولیدی زمان خود محسوب می‌شد. که یکی بر می‌گردد به دوره ساسانیان که انواع پارچه‌های بافت ایرانی، شهره خاص و عام بود و امروز نمونه‌هایی هم از آنها باقی مانده که نشان از شکوه این صنعت در آن دوران می‌دهد. و دیگری در دوره صفویان در زمان حکومت شاه عباس کبیر است که بنا بر نظر بسیاری از محققین این حوزه، هنر نساجی ایران این دوره در جهان بی‌نظیر بوده است. (غیبی، ۱۳۹۵)

پیدایش نساجی در ایران

نساجی ایران در دوره هخامنشی به‌ویژه در زمینه‌یافت پارچه‌های ابریشمی، پشمی نرم و لطیف، مشهور بود و شاهان این دوره به داشتن لباس‌های زیبا و فاخر شهرت داشتند. یکی از دلایلی که برای نشان دادن پیشرفت صنعت پارچه‌بافی در زمان

هخامنشیان ارائه می‌شود این است که اسکندر با آن همه تعصب یونانی‌گری، برحسب نوشته‌های هرودوت و پلوتارک از زمان ورود به ایران تا هنگام مرگش لباس‌های زربفت ایرانی بر تن می‌کرد. پلوتارک و دبودور همچنین نوشته‌اند که پارچه‌های زری که تار آن را از طلا و نقره می‌کشیدند و همچنین مخمل، پارچه‌های پشمی و پارچه‌های کتانی ایران در دوره‌ی هخامنشیان بی‌اندازه مطلوب بود.

پس از انقراض دولت هخامنشی، مدت ۵ قرن از نظر بسیاری از صنایع و هنرها از جمله صنعت بافندگی پیشرفت چشمگیری پدید نیامد. این توقف صنعتی و هنری مولود دو عامل است. یکی نفوذ تمدن و سلیقه یونانی‌ها در دوره سلوکی‌ها که موجب امحای فرهنگ و تمدن ایران و توقف هرگونه پیشرفتی در فنون و صنایع خاص ایرانی شد. دوم روحیه‌ی جنگجویی و جهانگیری پادشاهان اشکانی که هرچند افتخارات تاریخی بسیاری را سبب شد و در بعضی مواقع ناگزیر به جنگ بودند، با این همه پادشاهان این دوره را از پرداختن به این هنر، تشویق و تربیت صنعتگران و هنرمندان فارغ می‌کرد. از زمان اشکانیان یافته‌های فراوانی در دست نیست تنها اثری که از نساجی این دوره به‌دست آمده چند تکه پارچه‌ی ابریشمی است که به‌همراه قطعه پارچه‌های بافته شده در چین، ضمن کشفیات ناحیه‌ی لولان در منتهی‌الیه ایران خاوری امروز به دست آمده است.

به‌گفته‌ی اکثریت قریب به‌اتفاق پژوهشگران و مورخان، دوره‌ی ساسانی یکی از درخشان‌ترین و گویاترین دوره‌ها از نظر بافندگی بوده است. مسعودی در کتاب مروج‌الذهب می‌نویسد: «نیمی از شوکت و عظمت این دوره را باید در توسعه‌ی صنایع از جمله صنعت بافندگی جستجو کرد.» خوشبختانه یافته‌های این دوره به‌وفور در موزه‌ها و کلیساهای غربیان حفظ شده است. دکتر محمد حسن زکی در کتاب صنایع ایران بعد از اسلام درباره یافته‌های این دوره می‌گوید: «در این دوره، بافندگی ایران به اوج عظمت، ترقی و رونق خود رسید. (صفریان، ۱۳۹۱)

پیدایش پارچه در دوره‌ی اسلامی

در دوره‌ی اسلامی به سبب درگیری عمومی ایرانیان با اعراب و چند پارگی حکومت‌ها در دوره‌های مختلف، صنعت بافندگی از درخشندگی و پیشرفت افتاده بود و در بسیاری از دوره‌ها صنعت پارچه‌بافی چنان سیر نزولی می‌پیمود که گمان نمی‌رفت دیگر هرگز شکوفا شود. مهاجمان هم دل‌خوشی از تمدن و فرهنگ ایرانی نداشتند، با این همه صنعت پارچه‌بافی با ایستادگی هرچه تمام‌تر، بار دیگر خود را نمایان ساخت. هنرمندان این پیشه‌ی ظریف با وجود آنکه بسیاری از خلفا، با خوار شمردن آن و این‌که جولاهگی شغل پستی است درصدد نابودی آن برآمدند، چنان کردند که پارچه‌بافان در زمره‌ی نجیب‌ترین، با اعتبارترین و اصلی‌ترین شاغلان به‌حساب آمدند.

دروان سلاجقه را باید دوران شکوفایی دوباره‌ی هنر ایران دانست. از آن دوره حدود ۵۰ تکه پارچه‌بافی مانده‌است که اوج هنر در آنها دیده می‌شود. در این دوره پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین نقشه‌ها بافته می‌شد. در این دوره بافت شطرنجی یک‌درمیان و دولا معمول‌تر بود و پارچه‌های دورو و اطلسی در کمال مهارت رایج بود.

پروفسور پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران به شناسایی نابسامانی‌ها و عقب‌ماندگی‌های سال‌های استیلای مغول بر ایران در زمینه نساجی می‌پردازد. او معتقد است: «استیلای مغول با آنکه نخست در سفال‌سازی و فلزکاری تاثیر مهمی نداشت، طراحی پارچه را به کلی تغییر داد. نقش‌هایی که از پیش از اسلام رواج داشت به کلی متروک شد. ترکیب‌ها و تصاویر همه از رواج افتادند. رنگ روشن و حتی سفید که برای زمینه‌های طرح‌ها انتخاب می‌شد تا طرح‌ها شکل را برجسته‌تر جلوه دهد دیگر به کار نرفت و به جای آن رنگ‌های تند و تیره برای زمینه معمول شد. حتی روش کار هم تغییر کرد. سبک پارچه‌ها کم‌وبیش

یکنواخت بود و اصل و منشاء طرح‌های این دوره غالباً نامعلوم است. هجوم سبک چینی و مغولی که سرشار از خشونت بود در پارچه‌بافی موثر افتاد. در دوره تیموری پارچه‌بافان را از شهرهای مختلف جمع‌آوری، و به سمرقند اعزام کردند تا در آنجا مشغول کار گردند. بدیهی است آنچه در قالب دستور و سلیقه تیموریان به وجود آمد نمی‌توانست گامی به سوی پیشرفت باشد. (طالب پور، ۱۳۹۷)

به حقیقت باید گفت دوران صفویان، اوج شکوه و بلندی هنر و تمدن ایرانیان بوده‌است که پس از اسلام مانند آن دیده و شنیده نشده‌است. آنان دوباره نام ایران را در اندیشه‌ها زنده کردند. بر اثر حمایت بی‌دریغ شاهان صفوی از هنرمندان توفیق عظیمی در پارچه‌بافی به دست آمد. به راحتی می‌توان پذیرفت که هنرمندان این دوره خاصه در زمان شاه عباس کبیر بافته شده است در تمام تاریخ هنر نساجی جهان همتا ندارد.

با سقوط صفویان به دست افغانها، چراغ هنر ایران هم رو به خاموشی گرایید. افشاریه و زندیه و قاجاریان هم هیچ کاری برای نجات آن انجام ندادند. اگر دوره قاجاریه را یکی از بدترین و دردآورترین دوران در طول تاریخ ایران در زمینه صنعت نساجی و بافندگی پارچه‌های دستی و سنتی بدانیم، بجاست. از طرفی دوره قاجار مصادف است با نهضت همه جانبه کارخانه‌های پارچه‌بافی اروپا، همچنین پارچه‌های روسی که افراد سودجو با رضایت شاهان وقت بی‌رویه و ارزان وارد کشور می‌کردند و مانع برابری تولید کارگاه‌های دستی و سنتی با کارگاه‌های ماشینی می‌شد. صنعتگران و هنرمندان هم که نه حمایتی می‌شدند و نه بازاری برای فروش دست از کار کشیدند و این هنر چندین هزار ساله را به دست فراموشی سپردند. (طالب پور، ۱۳۹۷)

- تاریخچه پیدایش پارچه در جهان

انسان‌های اولیه فقط بر حسب نیاز در مقابل سرما و گرما برای پوشاندن بدنشان از پوسته درختان، برگ گیاهان و پوست حیوانات شکار شده استفاده می‌کردند. با گذشت زمان لباس بیشتر برای محافظت از آسیب‌های محیطی استفاده می‌شد، مانند پوششی برای پاها، سر و یا لباسهایی که تنها قسمتهایی از بدن را می‌پوشاند و گاهی فقط سران و اشخاص خاصی در قبیله‌ها برای متمایز شدن از بقیه افراد لباس به تن می‌کردند. درست است که لباس از مهمترین نیازهای اساسی بشر بوده اما بعدها تبدیل به مظهر زیبایی، تجملات و نشان دادن قدرت و منزلت افراد نسبت به یکدیگر شد، به گونه‌ای که امروزه به یکی از ۵ صنعت مهم دنیا تبدیل شده است. آثار و شواهد باستان‌شناسی اولین دوک را به زمان عصر حجر و نوسنگی نسبت می‌دهد در نتیجه با گذشت زمان و تحولات بسیار با تابانیدن الیاف حیوانی و گیاهی، نخ‌های ریسیده را بوجود آوردند و شروع به بافتن این الیاف و تولید پارچه‌های اولیه کردند. در واقع می‌توان گفت در این دوره بود که صنعت ریسندگی و بافندگی شکل گرفت. برای اینکه بتوان گفت بافتن پارچه توسط کدام اقوام و در کدام نقطه جهان شروع شده مدارک کافی موجود نیست اما شاید بتوان به گفته آرتور کریستین سن اشاره کرد که معتقد بود چون آثار مختلفی از بافندگی و پارچه در نقاط مختلف جهان یافته شده شاید بتوان گفت اقوام مختلف در هر جای دنیا که بودند با توجه به آگاهی‌ها، محدودیت‌ها و موقعیت جغرافیایی به نوعی از بافندگی دست یافته‌اند. (صفاریان، ۱۳۹۱)



شکل ۱-۱ نمونه پارچه باستانی

- تاریخچه ی پوشیدن لباس

اولین انسان شناخته شده برای تولید لباس، انسان نئاندرتال، از حدود ۲۰۰۰۰۰ سال قبل از میلاد جان سالم به در برد تا حدود ۳۰۰۰۰ سال قبل از میلاد در طول این مدت دمای زمین به طور چشمگیری افزایش و کاهش یافت مجموعه‌ای از عصرهای یخبندان را در سراسر مناطق شمالی اروپا و آسیا انسان نئاندرتال در آن زندگی می کرد ایجاد کرد. نئاندرتال ها با بدن فشرده و عضلانی خود که گرمای بدن، را حفظ می کردند به خوبی با آب هوای سرد زمان خود سازگار بودند. اما این مغز بزرگ آنها بود که به بهترین وجه به آنها خدمت کرد. مرد نئاندرتال یاد گرفت که از سنگ ابزارهای خام اما موثر بسازد. ابزار هایی مانند نیزه و تبر نئاندرتال ها را به شکار چپانی قوی تبدیل کردند و آن ها به شکار ماموت های مودار، خرس، آهو، گاو مشک و سایر پستاندارانی می پرداختند که در محیط خود مشترک بودند. در مقطعی نئاندرتال ها یاد گرفتند که چگونه از پوست ضخیم و پشمالوی این حیوانات برای گرم و خشک نگه داشتن خود استفاده کنند. با این کشف لباس متولد شد. مشخص نیست که مردم برای اولین بار از چه زمانی شروع به پوشیدن لباس کردند، با این حال، انسان شناسان تخمین‌هایی را بین ۱۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ سال پیش ارائه می دهند. اولین لباس ها از عناصر طبیعی ساخته می شد: پوست و خز حیوانات، علف ها و برگ ها، و استخوان ها و صدف ها. لباس اغلب پوشیده یا گره خورده بود. با این حال، سوزن های ساده ساخته شده از استخوان حیوانات شواهدی از دوخت لباسهای چرمی و خز حداقل ۳۰۰۰۰ سال پیش را ارائه می دهد. زمانی که فرهنگ های نوسنگی مستقرمزیت های الیاف بافته شده را نسبت به پوست حیوانات کشف کردند، ساخت پارچه، با تکیه بر تکنیک های سبده‌داری، به عنوان یکی از فناوری های اساسی بشر ظاهر شد. زمانی که فرهنگ های نوسنگی مستقر مزیت های الیاف بافته شده را نسبت به پوست حیوانات کشف کردند، ساخت پارچه، با تکیه بر تکنیک های سبده‌داری، به عنوان یکی از فناوری های اساسی بشر ظاهر شد. انسان کرومگنون مرحله بعدی رشد انسان را در نظر گرفت، حدود چهار هزار سال پیش ظهور کرد و در لباس نئاندرتال ها پیشرفت هایی انجام داد. افراد باهوش تر کرومگنون یاد گرفتند که چگونه آتش درست کنند و غذا بپزند و ابزارهای ظریف تر و کارآمدتری ایجاد کردند. از شال های تیز یا ابزار نوک تیز برای سوراخ کردن سوراخ های کوچک در پوست حیوانات استفاده می شد که با ریسمان مخفی به هم متصل می شدند. (غیبی، ۱۳۹۵) به این ترتیب، آنها احتمالاً اولین پوشش ها را برای بدن، پاها، سر و پاها ایجاد کردند. گمان می رود که اولین لباس مونتاژ شده تن پوش (تونیک) بوده است. تونیک از دو تکه حیوان مستطیل شکل که در یک طرف کوتاه با هم پنهان شده و سوراخی برای سر باقی می ماند، درست می شود. این لباس زمخت روی سر قرار می گرفت و طول دوخته شده روی شانه ها قرار می گرفت و باقیمانده آن آویزان بود. بازوها از دو

طرف باز می‌چسبند و لباس را یا با کمر بند می‌بستند یا در کناره‌ها گره‌های اضافی می‌گذاشتند تا لباس را روی بدن نگه دارند. این تن پوش جد پیراهن بود. یکی از مهمترین اختراعات کرومگنون سوزن بود. سوزن‌ها از برش‌های استخوان حیوانات ساخته می‌شدند. آنها در یک انتها به یک نقطه تیز شده بودند و در انتهای دیگر یک چشم داشتند. مرد کرومگنون با یک سوزن می‌توانست تکه‌های خز بریده شده را به لباس‌های مناسب‌تری بدوزد. شواهد حاکی از آن است که مردم کرومگنون شلوارها و پیراهن‌هایی را تولید کردند که آنها را از سرما محافظت می‌کرد، شال، مقنعه و چکمه‌های بلند. از آنجایی که یاد نگرفته بودند که چگونه پوست را برنزه کنند تا نرم شوند، پوست حیوانات ابتدا سفت می‌شد، اما با پوشیدن مکرر، بسیار نرم و راحت می‌شد. (صفاریان، ۱۳۹۱)

بسیاری از آنچه در مورد لباس‌های اولیه شناخته شده است، مجموعه‌ای از شواهد بسیار کم و حدس‌های خوب است. تنها تکه‌هایی از لباس‌های بسیار اولیه باقی مانده است، بنابراین باستان‌شناسان برای ایجاد تصویر خود از لباس‌های اولیه، به نقاشی‌های غار، پیکره‌های کنده‌کاری شده و چیزهایی مانند نقش پوست‌های دوخته‌شده در کف گلی فسیل‌شده تکیه کرده‌اند. کشف بقایای مردی که ۵۳۰۰ سال پیش در کوه‌های اتریش در نزدیکی مرز ایتالیا مرده بود، به تایید بسیاری از آنچه این باستان‌شناسان کشف کرده بودند کمک کرد. جسد این شکارچی مرد بیش از پنج هزار سال در یخ نگهداری می‌شد و تکه‌های زیادی از لباس او باقی مانده بود. باستان‌شناسان لباس‌های او را کنار هم گذاشتند و دریافتند که مرد یخی، همانطور که معروف شد، لباس پیچیده‌ای به تن داشت. ساق‌های دوخته‌شده با احتیاط پایین ساق پایش را پوشانده بود و یک کمر بند چرمی نازک دور کمرش پیچیده شده بود. مرد روی بدنش کت آستین بلندی پوشیده بود که تقریباً تا زانوهایش امتداد داشت. کت از خزهای زیادی دوخته شده بود که خز بیرونی آن بود. احتمالاً توسط نوعی کمر بند بسته شده بود. مرد روی پاهایش چکمه‌های کوتاهی از پوست حیوانات می‌پوشید که با مخفی به هم می‌دوختند و با علف پر می‌کردند، احتمالاً برای اینکه پاهایش را در برف گرم نگه دارند. مرد روی سرش کلاه ساده‌ای از خز کلفت پوشیده بود. اگرچه مرد یخی کشف شده در اتریش بسیار دیرتر از اولین انسان کرومگنون ظاهر شد، اما نحوه ساخت لباس او تکنیک‌ها و مواد اولیه لباس‌های اولیه را تأیید کرد. با این حال، تلفات زمان بیشتر شواهد مستقیم لباس انسان اولیه را از بین برده است. دست و دست با تاریخ پوشاک، تاریخ منسوجات پیش می‌رود. انسان‌ها مجبور بودند بافندگی، ریسندگی و سایر تکنیک‌ها و ماشین‌های مورد نیاز را اختراع کنند تا بتوانند پارچه‌های مورد استفاده در لباس را بسازند.



شکل ۱-۲ نمونه لباس باستانی

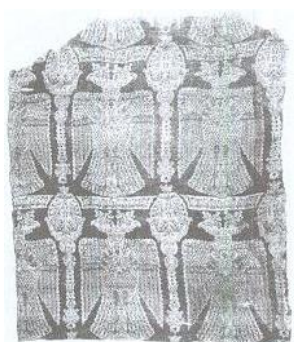
قبل از چرخ خیاطی، تقریباً تمام لباس‌ها محلی و با دست دوخته می‌شد، در بیشتر شهرها خیاط‌ها و خیاطان وجود داشتند که می‌توانستند لباس‌های جداگانه برای مشتریان بسازند. پس از اختراع چرخ خیاطی، صنعت پوشاک آماده شروع به کار کرد. منشاء لباس‌ها کلمه لباس از کلمه لاتین "consuetudo" گرفته شده است که به معنای مجموعه کاملی از لباس‌های بیرونی است. لباس‌ها نه تنها برای پوشاندن بدن و تزیین آن استفاده می‌شد، بلکه یک وسیله ارتباطی غیرکلامی مهم است که برای تثبیت هویت فرهنگی یک فرد از جمله جامعه یا کشور مبدأ یک فرد در هر دوره تاریخی خاص عمل می‌کند. سبک متمایز لباس یک فرد یا گروه که نشان دهنده طبقه، جنسیت، حرفه، قومیت، ملیت، فعالیت یا دوره آنهاست.

پارچه بافی در دوران سامانیان تا ایلخانیان

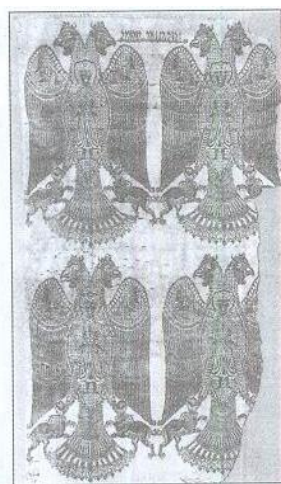
ادغام کارخانه‌های پارچه بافی ساسانی و روم شرقی (بیزانس) و تکامل آن در دوران اولیه اسلامی دارای اهمیت زیادی بود و موجبات پیشرفت صنعت پارچه بافی را در شهرهای مختلف ایران فراهم ساخت؛ از جمله این شهرها شوشتر، ری، اصفهان و شوش بود. اصطخری شوشتر را مرکز بافت پارچه‌های ابریشمی ذکر می‌کند و آقای مکداول نیز اشاره می‌کند: «شوشتر به خاطر ابریشمین‌های رومی‌اش شهرت داشت»^۱.

^۱ - کتاب هنرهای ایران، ص ۱۵۴.

ابن حوقل نیز شهر شوشتر را به خاطر بافت طراز سلطانی و دیبای شوشتری که سال‌ها پارچه‌ی «کسوت کعبه» بود از شهرهای مهم بافت ابریشم به شمار می‌آورد؛ و رامهرمز و شوش و اصفهان را نیز.^۲ قطعات باقی‌مانده‌ی مربوط به دوران فرمانروایی آل بویه که با کمال دقت بافته شده و از نظر نقش و رنگ بی‌نظیر است به شهر ری نسبت می‌دهند: «یکی از بهترین نمونه‌ی انواع پارچه‌های مربوط به آل بویه در ری قطعه‌ی پارچه‌ای است که نقش اصلی آن عقاب‌های بزرگ دوسر است به رنگ قهوه‌ای روشن روی زمینه‌ی نخودی با بال‌های گشوده که انسانی را با خود به هوا می‌برد. در حاشیه بال آن‌ها عبارت «من کبرت همته کثرت قیمته» به خط کوفی نقش گزیده است این پرندگان توسط نقوش شبیه درخت سرو از یک‌دیگر جدا شده‌اند و بالای سر پرندگان نوارهایی دیده می‌شود که با عبارت «من طالب اصله زکی فعله» تزیین یافته است این پارچه در موزه‌ی ملی ایران بوده و با تصویر پارچه‌ای که در کتاب هنرهای ایران آمده و اکنون در موزه‌ی هنر کلیولند است، قابل مقایسه است (تصاویر ۲۵ تا ۲۷).^۳



تصویر ۱-۳: پارچه‌ی پشم و ابریشم، سده‌ی چهارم و پنجم هـ.ق (دهم - یازدهم میلادی) موزه‌ی ملی ایران.



تصویر ۱-۴: ابریشمینة نقش برجسته، ری، سده‌ی پنجم هـ.ق (یازدهم میلادی) موزه‌ی هنری کلیولند، از روی کتاب هنرهای ایران.

^۲ - کتاب صورۃ‌الارض، ص ۲۳۱ و ۳۰۹، و همچنین کتاب هنرهای ایران، ص ۱۵۴، که مکداول می‌گوید: «آیا مصرف این طاقه پارچه‌های کتیبه‌دار چه بود؟ از نظر عموم مردم آن زمان قدوسی‌ترین مصرف آن فراهم آوردن پوششی برای کسوت کعبه بود که برآمدن از عهده‌ی انجام آن امر خطیر موهبتی بزرگ شمرده می‌شد و مورد غبطه‌ی همگان قرار داشت.»

^۳ - ر.ک. به شماره‌ی ۵۹ مجله‌ی هنر و مردم، ص ۴۱، پارچه‌های قدیم ایران و همچنین کتاب هنرهای ایران، ص ۱۵۷، تصویر ۱۲، نساجی ج. مکداول.



تصویر ۱-۵ پارچه‌ی ابریشم دورو، ری، سده‌ی چهارم هـ ف (دهم میلادی)، موزه‌ی پارچه کلمبیا، از روی کتاب
نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی، زهره روح‌فر.

«آل بویه به طور عموم تولید پارچه‌های ابریشمی و نخی را تشویق می‌کردند؛... ری صاحب صنایع پارچه‌بافی و سفالگری بود، تخصص در تولید پارچه‌ی ضخیمی به نام «منیر» داشت، که گاه با نقش راه‌راه بافته می‌شد اما اهمیت شهر ری بیش‌تر به وابسته مرکزیتش در تجارت انواع پارچه. اجناس پوشیدنی بود که به گزارش نویسندگان عرب در قلمرو دیالمه بزرگ‌ترین بازار به شمار می‌آمد؛ خز ابریشمی از شوش، ردا و جامه‌ی بلند زنانه از فارس؛ عبا و روپوش از اصفهان؛ پارچه‌ی حفی از نیشابور؛ پارچه‌ی نخی از ملحم از مرو؛ ابریشمینه‌ی زردوزی شده به نام سقلاطون از بغداد؛ زربفت‌ها از روم شرقی (بیزانس) ابریشمینه‌ی گل برجسته‌ی چینی (کمپاس) از چین؛ انواع خز و پوست از روسیه؛ قالی از ارمنستان؛ پارچه‌های نخی و کتان‌ی از فرنگ به دست بازرگانان شهر ری که بیشترشان یهودی بودند داد و ستد می‌شد.»^۴

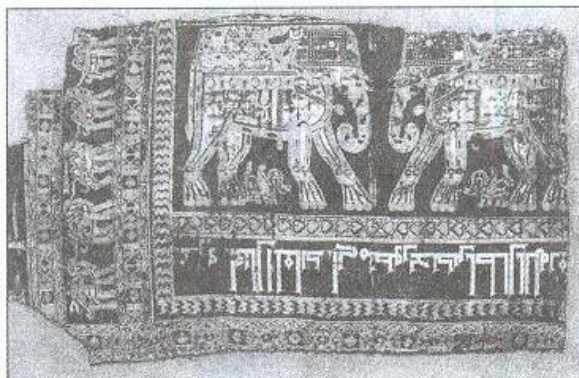
باید دانست که طبرستان بزرگ‌ترین مرکز پرورش کرم ابریشم بود و در گرگان و ساری پارچه‌های حریر و دیبا بافته می‌شد و به نواحی دیگر صادر می‌گردید.^۵

به هر تقدیر آثار باقی‌مانده از قرن چهارم تا هشتم ه.ق. که در موزه‌های ایران و جهان خودنمایی می‌کند منحصر به نساجی دوران آل بویه و سلجوقیان (سلجوقیان ایران و ترکیه) و احتمالاً سامانیان است که از مقابر قرون وسطایی ری در حفاری‌ها به دست آمده است. در این دوران بر روی تابوت‌های چوبی طاقه‌های پارچه‌ای می‌کشیدند که یکی از این پارچه‌ها کفن ژوزه مقدس (سن ژوس) ابریشمینه‌ی جناغی بافی است که در ناحیه‌ی خراسان بافته شده و مربوط به قرن چهارم و. است (احتمالاً دوره‌ی سامانیان) پارچه‌ی مزبور از دو قطعه نامساوی با زمینه‌ی قرمز رنگ تشکیل شده است (تصویر ۲۸). نقش وسط پارچه عبارت است از دو فیل زینت داده شده که در برابر هم قرار گرفته‌اند بین پاهای عقب و جلوی آن‌ها دو اژدهای کوچک قرار دارد حاشیه‌ای به شکل قلب تصاویر دو فیل را از طرف طول از یک کتیبه‌ی کوفی (عز و اقبال دائم ابی منصور بختکین) جدا کرده

^۴ - کتاب هنرهای ایران، ص ۱۵۷.

^۵ - ر.ک: به کتاب حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ص ۳۹۵ و ۳۹۷، که در سال ۳۷۲ هجری قمری تألیف شده و مؤلف آن گمنام است با مقدمه‌ی بارتولد و ترجمه‌ی میرحسین شاه، دانشگاه الزهراء ۱۳۷۲.

است و در طرف عرض به وسیله‌ی دو حاشیه با نقش‌های قلب از یک ردیف تصاویر فیل کوچکتر جدا ساخته است و نقش‌های دیگری که در تقاطع دو حاشیه‌ی عمودی و افقی ایجاد شده؛ به احتمال قوی این قطعه پارچه در اولین جنگ‌های صلیبی به دیر سن ژوزه در پادو کاله آورده شده است.^۶



تصویر ۱-۶: کفن سن ژوس، پادو کاله، پارچه‌ی ابریشم، سده‌ی چهارم هـ.ق (دهم میلادی)، خراسان، موزه‌ی لوور، پاریس، از روی کتاب هنرهای ایران فریه.

یادآور می‌شوم که علاوه بر ابریشمینها، که در زرنند کرمان، اصفهان، شوش و شوشتر^۷ برای چادر و روسری و پیراهن و قبا تولید می‌شد، پارچه‌های پنبه‌ای ویژه‌ی عمامه و طیلسان در بم بافته می‌شد که در نوع خود بی‌نظیر بود؛ و فارس نیز بهترین کتان تیزی را تولید می‌کرد.^۸ «کازرون پارچه‌های کتانی و مو بزی صادر می‌کرد و در خراسان و نیشابور و مرو بهترین پنبه و پارچه با تارهای نخی یا ملمح را تولید می‌کردند و مرو به ویژه در تهیه‌ی پارچه‌ی سیاه (پارچه‌ی مصرفی عباسیان) و ابریشمینها کتیبه‌دار برای عمامه شهرت یافته بود. در ماوراءالنهر سغدیان پارچه‌هایی به شیوه‌ی ابریشمینها ساسانی می‌بافتند و با چین داد و ستد می‌کردند. بخارا در دولت سامانی بازاری جهانی برای تجارت پارچه‌ی ابریشمی، انواع پارچه‌ی نخی نازک معروف به چیت موصلی (نیز موسلین) و نوعی پارچه‌ی پنبه انباشته‌ی ضخیم مربوط به زندنیچی (معروف به زندیه) قرار گرفت. نظام پارچه‌بافی طراز تا آغاز تهاجم مغولان در سده‌ی هفتم هجری که همه چیز را به نابودی کشاند، پا بر جا بود.»^۹ و نیز در طرح پارچه‌های پشمی و ابریشمی این دوران طرح اربسک و اسلیمی غالباً از طرح‌های مهمی است که از آغاز اسلام تاکنون پاییده است؛ طرحی است که برخلاف تصور برخی از پژوهشگران، توسط اعراب یا مسلمانان ابداع نشده بلکه پیش از اسلام نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است ولی چون در دوران اسلامی در همه‌ی آثار هنری به کار رفته و تحول عظیمی یافته است از این رو اربسک و اسلیمی نامیده می‌شود. اربسک کلمه‌ای فرنگی منسوب به عرب و اسلیمی کلمه‌ای عربی منسوب به اسلام است که این طرح اغلب گیاهی و گاهی جانوری است و از محیط زیست انسان الهام می‌گیرد و چون در قبل از اسلام نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته احتمالاً منشأ مذهبی داشته و طرح جانوران و گیاهان مقدّسی است که در مورد ستایش و احترام

^۶ - برای اطلاع بیشتر تر.ک. به شماره ۵۹ مجله‌ی هنر و مردم، ص ۴۰ تا ۴۲، پارچه‌های قدیم ایران نوشته‌ی پروین برزین. و همچنین کتاب هنرهای ایران، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

^۷ - ر.ک. به کتاب صورالارض، ص ۲۳۱، ۲۶۱ و ۲۷۱. ابن حوقل.

^۸ - همان کتاب، همان جا.

^۹ - کتاب هنرهای ایران، ص ۱۵۴ و ۱۵۵

مردمان آن دوره بوده است (تصاویر ۲۷ و ۲۹ تا ۳۲). مثلاً مار و انجیر در مصر باستان و انار در ایران باستان مقدس بوده است و یا گل چهارپر و درخت استلیزه شده و یا سیمرغ استلیزه شده با بال و سر و دوم پرنده و بدن و پنجه‌های شیر و نقش طوقی به گردنش درون شمشه‌های مکرر و یا طرح خروس که در جامه‌ی یکی از ملازمان شاه در طاق بستان تکرار شده است؛ در متون زردشتی بُندهش (به معنی آغاز آفرینش) آمده است که: خروسی شب هنگام از آدمیان حراست می‌کند تا او سالم بماند و به استنباط از دلالت معنی که بتواند وارد بهشت شود. نمونه‌ایی از این دست پارچه‌ای از پشم و ابریشم که در موزه‌ی واشنگتن دی.سی. موجود است و مربوط به قرن پنجم و ششم (احتمالاً سلجوقی) است رنگ قرمز و سبز و طرح‌های گیاهی و چهار جفت حیوان استلیزه شده (ابولهل) اسلیمی‌های طوماری و غیره طرح کلی پارچه را در بر می‌گیرد که بسیار زیباست.^{۱۰} در کتاب گای لسترنج آمده است: «دستگاه‌های بافندگی شیراز پارچه‌های لطیف و متنوعی می‌یافتند که به کار تهیه‌ی قبا می‌خورد هم-چنین پارچه‌هایی که امروز به آن «گارسی» می‌گویند و نیز زری و پارچه‌های ساخته شده از ابریشم خام (خز).»^{۱۱} و بالاخره در شاهنامه‌ی ثعالبی (دوره‌ی سامانی، سلجوقی و دیالمه) می‌خوانیم که: «شاه پرسید مناسب‌ترین لباس کدام است؟ گفت لباسی است برای نهار از پارچه‌ی مرو و دبیقی و برای تابستان از پارچه‌ی توزی و شطوی و برای پاییز از اقمشه‌ی ری با پود دولا یا پارچه‌ی مخلوط و برای زمستان از پارچه‌ی پشمی و ابریشمی و پوست خز تهیه شده باشد و در شدت سرما لباس ابریشمی و پشمی که از همان پارچه آستر کشی شده باشد و پارچه‌ی کلفتی بر آن نهند.»^{۱۲}

نساجی ایران در دوره صفویه

ایرانیان از دوران باستان در صنعت نساجی به در جات عالی (صاحب اسراری) رسیده‌اند. گویا رمزی فرازمینی به ایشان ودیعه داده شده است. شاید داستانی مثل حکایت رمز واره کرم هفتواد و دخترک نخ ریس در شاهنامه فردوسی و کت داستانی پرده‌ای است که راز تولید ابریشم و حریر را از چشم نامحرم و نااهل پنهان می‌کند. و ایرانیان از معدود اقوامی هستند که از دوران اسطوره سالاری به این سو لایق و شایسته این فن شناخته می‌شوند.

دوران درخشندگی و شکوفایی نساجی ایران بعد از رکود چند ساله حمله مغول و تیموریان با آغاز سلسله صفویه شروع و به اوج خود رسید. دوره صفویه از سال ۹۰۷ هجری (۱۵۰۲ میلادی) آغاز می‌شود و به ۱۱۴۵ هجری (۱۷۳۱ میلادی) پایان می‌یابد. شکوه و بزرگی و سازندگی دوران ساسانیان را به ایران بازگرداند.

پس از آنکه شاه عباس بزرگ قدرت را در دست گرفت هندیان از او کارشناس و استادان رشته نساجی را برای ارتقاء صنعت نساجی در هند طلب نمودند و شاه متخصصان زری بافی، ترمه بافی، مخمل بافی را که غیاث الدین یزدی و پسرانش بودند به آن کشور گسیل داشت. (یاوری، ۱۳۸۵)

با فرستادن کارشناسان ایرانی به هند صنعت نساجی در هند بالا گرفت و رقیب سرسختی برای امر پارچه بافی ایران شدند زیرا در کوه‌های هیمالیا بزهایی زندگی می‌کردند که پشم بلند و نرم و لطیف داشتند و با استفاده از این الیاف توانستند پارچه‌های ظریف و زیبایی ارائه نمایند که بازار را در دست گرفتند.

^{۱۰} - ر.ک. به شماره‌ی ۱۲۶ مجله‌ی هنر و مردم و هم‌چنین هنرهای ایران، ص ۱۵۸.

^{۱۱} کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۱۵، گای لسترنج.

^{۱۲} - شاهنامه‌ی ثعالبی، ص ۳۴۲.

با پیدایش رقیب سرسخت پیشه وران و صنعتگران نساجی شکایت خود را به شاه ارائه نمودند. شاه عباس با خرید ابریشم از چین و ترمیم و راه اندازی جاده ابریشم و ایجاد طرح های جدید و تشکیل ۲۸ بیست و هشت هزار کار گاه بافندگی در ایران در شهرهای اصفهان، کاشان، شوشتر و یزد با سرمایه خود صنعت نساجی را نجات داد و در کلیه دروازه های خروجی و ورودی اکیدا ممنوع کرد که هیچگونه ارزی از ایران خارج نشود و در مقابل جنس ارائه شده پارچه های ایران را خریداری و صادر نمایند. این عمل باعث شد که شکوفائی صنعت تامین و اجراء شود. اما دوره پرشکوه صفویه نه تنها تمام واپس ماندگیها را جبران کرد بلکه بر اثر حمایت بی دریغ شاهان صفوی از هنرمندان و صنعتگران آنچنان توفیقی در زمینه پارچه بافی به دست آمد که به راحتی می توان پذیرفت که هنرمندان این دوره در صنعت پارچه بافی اعجاز می کردند. پارچه هایی که در دوره صفوی و بخصوص در در زمان شاه عباس کبیر بافته شده است در تمام تاریخ هنر نساجی جهان نظیر ندارد.

پارچه های تاریخ دار در این دوره به خوبی نشان می دهد که در این هنگام طرق جدید و اصول فنی کاملا مستقر و پابرجا شده بودند و از روی نقاشی های مینیاتور آن عصر و همچنین از پارچه های فراوانی که از دوران صفویه برجای مانده است. می توان دریافت که نقشه های بدیع و ظریف اسلیمی تحول و پیشرفت شگفت انگیزی یافته و یا گل و بته و نقش حیوانات که با هنر نمایی و لطافت خارق العاده ای تجسم یافته توأم است که با رنگ های جالب و درخشان در پارچه بافته می شد.

تقریبا همه سیاحان و مورخین که در دوره صفویه که به ایران سفر کرده اند در یک اظهار نظر متفق القولند که در دوره صفویه درخشان ترین دوره صنعت پارچه بافی از آغاز تاریخ ایران تا آن عصر بوده است. در این دوره شاه و امراء و درباریان و بزرگان قوم همه و همه از بافندگان عصر خود حمایت می کردند و خود نیز در لباسهایی که از دیبا و ابریشم و سایر پارچه هایی که به رشته هائی که برشته های طلا و ابریشم مزین بود می زیستند. به همین جهت کارگاه های پارچه بافی مقادیر زیادی از آن پارچه ها تهیه می کردند و علاوه بر مصرف داخلی مقدار عمده ای از آن را بازرگانان ایرانی به بازارهای اروپا و مخصوصا روسیه حمل می کردند که در آنجاها با اقبال عمومی روبرو می شد. پارچه بافان به سبب اقبال و استقبال فراوان مردم و حمایت بی دریغ پادشاهان و حکومت ها کوشیدند تا در بافت انواع و اقسام پارچه ها از قبیل دیبا، پارچه های کتانی، اطلس، مخمل، زری و سایر پارچه های زیبا و ظریف مهارت بیشتری به دست آورند. در طراحی و نقشه پارچه نیز صنعتگران و هنرمندان این دوره به درجه ای رسیده بودند که تا آن هنگام سابقه نداشته است.

تزیینات این پارچه ها عموما از موضوعات داستانهای شاهنامه و منظومه های شعرای معروف ایران و یا مناظری که شاهزادگان و اشراف را در شکارگاهها و بزم های شاعرانه نشان می داد انتخاب می شد. بنابر قولی صادرات سالانه ابریشم پارچه های ابریشمی در این دوره ۲۲۰۰۰۰ مدل بود.

به طوریکه چند تن از محققین بنام از جمله پروفیسور پوپ بررسی کرده اند بهترین مراکز نساجی در دوره صفویه تبریز، هرات، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم، سلطانیه، اردستان و شیروان بود. اما یزد و کاشان و اصفهان شهرت بیشتری داشتند و نیز یزد در بافتن به تصاویر انسان مزین می شد، شهره بود.

از نساجان معروف این دوره که اسامی آنان بعنوان هنرمندان بزرگ دوره صفویه باقی مانده است عبارتند از: غیاث، عبدالله بن غیاث، حسین بن غیاث، یحیی بن غیاث، معزالدین غیاث، آبان محمد، محمد خان کاشانی، علی خان کاشانی، اسماعیل کاشی، معین، آقا محمود اصفهانی، مغیث اصفهانی زیور (که مرد یا زن بودن این آخری بدرستی معلوم نیست).

ویلسن در کتاب تاریخ صنایع ایران عصر صفوی در آن شرحی درباره بافته های ابریشمی آن دوره دارد که بسیار جالب است. وی می نویسد: یکی دیگر از شعبات صنعتی که در ایران در عصر صفوی در آن سرمشق و مورد تحسین دنیا واقع گردید بافتن

پارچه های ابریشمی است. همانطور که در قالی ها و مینیاتورهای این دوره مشاهده می شود پارچه های این عصر نیز برای رنگ آمیزی و طرح مشهور می باشند. بسیاری از طرح های پارچه های گران قیمت عصر صفوی شباهت زیادی به هنر مینیاتور دارد. مشهورترین و بی بدیل ترین پارچه های این عصر زری و مخمل بافی هایی است که با ابریشم به طور برجسته روی آنها تزئین شده است. این نوع پارچه ها نمونه ای است از صبر و حوصله و استادی بافندگان آن، زیرا که بافتن این طرحهای پیچیده به رنگهای گوناگون محتاج به تفسیر و تبدیل بی انتهای دوک و شانه است.

طرح و نقشه پارچه های مورد بحث از روی زندگی آن عصر و هم چنین از مضامین لطیف ادبی اقتباس می شد. از متداول ترین نقش های تصویر لیلی و مجنون و نقشه گل و برگ و پرندگان و حیوانات بود. تهیه این قسم پارچه ها در زمان شاه عباس که بیش از دیگر پادشاهان صفوی به صنعت و از جمله پارچه بافی عتاقه داشت توسعه فراوانی پیدا کرد و غیر از کارگاههای یزد و کرمان و کاشان که مدتها به نام پارچه های ابریشمی در سراسر جهان معروف بودند. شاه عباس در اصفهان نیز کارگاههای بافندگی دایر گرد که انحصارا پارچه های دربار را تهیه می نمودند.

شاید مهمترین امتیاز دوره صفویه نسبت به دوره های دیگر از نظر بافندگی نزدیکی فراوان هنر نقاشی با صنعت بافندگی بود و از تطابق پارچه ها و نقاشی های آن دوره به خوبی می توان فهمید که طراحان پارچه های عالی همان نقاشان معروف بودند که حتی همان رنگهای کدر و ملایم که در نقاشیهای صفوی مرسوم بود. برای اولین بار در پارچه بافی تجلی کرد. یکی دیگر از امتیازات مهم پارچه های صفوی بکار گرفتن رشته طلا در پارچه می باشد که اصطلاحا زری دوزی و زری بافی نامیده شده است. اگر چه این شیوه در دوره های پیش از صفویه نیز معمول بود ولی توسعه آن در زمان صفویه به پایه ای رسید که بسیاری از محققین آنرا ویژه همین دوره دانسته اند.

(تئوفیل) کشیش معروفی که تحقیقات جالبی در زمینه پارچه بافی بعمل آورده در این باره می نویسد. «در قدیم نساجان ایرانی نمی توانستند مفتول های ضخیم طلا را برای زینت در پارچه های نازک به کار می برند بلکه فقط از این شیوه در قالبیاقی استفاده می کردند و اگر مورخین بیشتر از دوره صفویه از منسوجات طلائی یا زرباف چیزی نوشته اند به احتمال قوی مقصودشان فرش بوده است که مفتول طلا در آنها به کار می رفت اما در دوره صفویه این رشته مهم هنری و صنعتی آنقدر پیشرفت کرد که حتی لطیف ترین و نازک ترین پارچه ها نیز توانستند با مفتول های نازک طلا زینت یابند. نساجان این عصر طلا و نقره را با زحمت زیاد ابتدا بصورت یک میله در می آوردند و سپس از سوراخ های گوناگون که کم کم تنگ تر می شد عبور می دادند تا بسیار باریک می شد و آن گاه آنرا به دور نخ می پیچیدند و برای تزئین منسوجات زری به کار می بردند.» همین محقق که همزمان با اواخر دوره صفویه می زیسته، در جای دیگر کتاب می نویسد: «در پارچه هائی که در تزئین آن طلا به کار می رفته و بسیار گران بها هستند و اکنون (اواخر صفویه) یک گز آنها به مبلغ پنجاه تومان به فروش می رسد. خلاصه اینکه در تمام دنیا نفیس تر و گرانبهاتر از این پارچه زربافت ایرانی پیدا نمی شود.»

در خصوص پوشاک دوره صفویه شاید به توضیح فراوانی نیاز نباشد. زیرا نزدیکی دوره یاد شده با عصر ما و وجود نقاشیها - کاشیکاریها - کتابها و به خصوص وجود لباسهای زنانه و مردانه فراوان آن دوره در موزه های جهان و حتی منازل بسیاری از علاقمندان به جمع آوری لباسهای قدیمی یافت می شود که اغلب مردم و بخصوص آنهایی که به چگونگی تحولات پوشاک در ایران علاقه دارند از کم و کیف لباسهای زمان صفویه اطلاع وسیعی داشته باشند معذرا لازم است که چند نکته مهم درباره این دوره ذکر شود.

اول اینکه علاقه فراوان پادشاهان صفویه به صوفی گری موجب آن گردید که مجموعاً پوشاک این دوره تحت تاثیر شدید لباسهای اسلامی و درویشی قرار بگیرد و این مورد بخصوص در مورد قبای بلند و کلاه بسیار دیده می شود. مسئله دوم عشق مفرط مردم این دوره بخصوص بانوان به زینت آلات و تزئینات می باشد. یکی دیگر از جهانگردان فرانسوی که در همین عصر به همراه یک میسیون رسمی به ایران سفر کرده است در این باره می نویسد: «ایرانیان به حدی عاشق تزئینات هستند که گاهی بر روی لباسهای خود که پارچه آنها قبلاً گلدوزی شده به سلیقه خود تزئینات اضافی می کنند که منظره لباس از فرط تزئین بد نما می شود. و در شالهای کشمیر نیز زیادی نقش، زمینه را از جلوه انداخته و به جای زیبایی نقصی در آن پدید می آورد.»

صنعت قلابدوزی نیز در این عصر رواج فراوانی داشت و پارچه های قلابدوزی شده برای پوشاک به فراوانی مورد استفاده قرار می گرفت هر چند که ابتدا این پارچه را برای تزئین دیوارها در جشن ها و اعیاد به وجود آورده بودند. در پارچه لباس زنان در این عصر در «سفرنامه از خراسان تا بختیاری» آمده است که: «زنان در خانه دو یا سه زیر جامه کوتاه می پوشند که به تقلید از رقاصه های اروپایی در ایران مد شده بود و نیم تنه ای نیز می پوشیدند که آنرا «یل» نامگذاری کرده اند.»

این نیم تنه غالباً زر دوزی شده بود و آستین درازی داشت. خانمها در مواقع پذیرایی از مهمان پارچه ای به کمر می بستند که دنباله تا روی زمین کشیده می شود و چادر نماز نام دارد و ظاهراً نوعی لباس مذهبی است. پیراهن زنان پارچه گاز یا ململ سفیدی است که زردوزی شده و سینه و پستان ها بصورت برجستگی نمایان می سازد دارای آستین های بلند است که در مچ یا تکمه باز وبسته می شود. بعضی از بانوان پارچه گاز سفید آهار زده ای بر سر دارند که بی شباهت با شلق کشیشان مسیحی نیست و به آن «چارقد» می گویند. این پارچه سروگوشها و اطراف صورت را می پوشانیدند و کنارهای آن در زیر چانه به وسیله سنجاق بهم اتصال می یابد و خود قرص صورت که شعرا آنرا تشبیه به ماه شب چارده کرده اند بیرون می ماند.

در مورد لباس مردان دوره صفویه آنچه بر گفته های پیش می توان افزود این است که عمامه در بیشتر موارد جای کلاه را گرفت و بر سر نهادن غمامه در این دوره تنها خاص مردان روحانی نبود. بلکه بیشتر مردم - یعنی کسانی که کلاه بر سر می گذاشتند. (باوری، ۱۳۸۵)



تصویر ۱-۷: پارچه‌ی ابریشمی که به شکل ردای بدون آستین کشیشان اروپایی بریده شده و با اشکال انسانی مزین گشته است، ایران، سده‌ی دهم و یازدهم هـ.ق موزه‌ی هنرهای تزئینی پاریس، از روی کتاب هنر سرامیک، پارچه‌ی و فرش در شرق. با مقدمه و شرح، ر. کشلین، ن. می جنونگ.

- تاریخچه لباس در اعصار و چگونگی تسهیل درک مد معاصر

در ابتدا درک این نکته مهم است که اگرچه کلمات مد، پوشاک و لباس اغلب به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، اما این اصطلاحات از نظر معنی یکسان نیستند. مد فراتر از لباس است. این نشان دهنده طیف وسیع‌تری از روندهای زیبایی‌شناسی، هنر و طراحی در جامعه معاصر است. این آن را به یک کلمه چند وجهی تبدیل می‌کند که با طیف وسیعی از تأثیرات اطراف درگیر است. به عبارت ساده، مد یک فرآیند اجتماعی است که در آن سبک‌ها یا گرایش‌های تازه معرفی شده در زمان معینی با مقبولیت بخش وسیع‌تری از مصرف‌کنندگان محبوب می‌شوند. در مورد منشاء و نیاز به پوشاک دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یک مکتب فکری معتقد است که انسان بدن خود را برای محافظت از خود در برابر هجوم آب و هوا و طبیعت می‌پوشاند. روانشناسان و قوم‌شناسان به دلایل روانشناختی مانند برگ انجیر مورد استفاده آدم و حوا به عنوان نماد فروتنی اشاره می‌کنند که در کتاب مقدس به آن اشاره شده است. مردم‌شناسان دلایل مرتبط با تابو و همچنین تمایل به زینت شخصی برای خشنود کردن خود و دیگران را ذکر می‌کنند. روانشناسان این دیدگاه را مطرح می‌کنند که انسان دوست دارد ظاهر خود را

اصلاح کند - استفاده از پوشش بدن یکی از این اصلاحات است. از دیگر راه‌های رسیدن به این هدف، تغییر مدل مو، تغییر شکل و سطح بدن از طریق لباس، آراستگی بدن و... است. این تغییرات به منظور مقبولیت بیشتر خود برای دیگران انجام می‌شود تا وجه اشتراک و پیوند با آن‌ها وجود داشته باشد. دیگران در همان «قبیله» اجتماعی. مردان بدوی بدن خود را با پوست و خز حیوانات می پوشانند که به قسمت هایی از بدن انسان تبدیل شده بود. اندازه‌ها، شکل‌ها و بافت‌های مختلف پوست زمانی که برای پوشاندن یا تزئین پیکره انسان به کار می‌رفت، رویکردهای متفاوتی را برای استفاده و عملکرد آنها ضروری می‌کرد. بعداً از الیاف پوست درخت برای محافظت از خود در برابر شرایط جوی استفاده شد. با این حال، لباس‌ها صرفاً سودمند نیستند، بلکه اهمیت عمیق‌تری دارند. رابطه بین اعتقاد مردان بدوی به جادو و بازنمایی شکار موفق از طریق نقاشی های غار به اوایل دوره پارینه سنگی باز می‌گردد. حتی امروزه نیز قبایل خاصی که معمولاً برهنه زندگی می‌کنند در مناسبت های خاص لباس می پوشند! (غیبی، ۱۳۹۵)

منشا لباس عمدتاً از یافته های باستان شناسی، نقاشی های باستانی و مجسمه ها استنباط می شود. با یافته‌های جدید باستان‌شناسان و تفاسیر انسان‌شناسانی که جنبه‌های مختلف وجود انسان را در جوامع گذشته و حال مطالعه می‌کنند، تاریخ‌گذاری واقعی منشأ لباس‌ها مدام در حال تغییر است. تحقیقات انسان‌شناسی بر روی شپش سر انسان و شپش‌هایی که در لباس‌ها زندگی می‌کنند، نشان می‌دهد که لباس‌ها ممکن است حدود ۱۷۰۰۰۰ سال پیش ایجاد شده باشند. محققان دیگر ادعا می‌کنند که لباس‌ها ممکن است حدود ۵۴۰۰۰۰ سال پیش ایجاد شده باشند. یک دیدگاه این است که منشأ لباس ممکن است همزمان با مهاجرت هومو ساپینس مدرن به سمت شمال از آب و هوای گرم آفریقا باشد. دیدگاه دیگر این است که اختراع لباس ممکن است به دلیل از بین رفتن موهای بدن توسط انسان در طول فرآیند تکامل ضروری باشد. سرمایه شدید مناطق شمالی آنها را مجبور می‌کرد تا خود را با اشیاء موجود در اطراف بپوشانند. آن‌ها همچنین پیشنهاد می‌کنند که اولین شکل‌های لباس ممکن است از پوست و خز حیوانات و همچنین پوشش گیاهی شامل پوست، برگ و علف که به دور بدن پوشیده شده، پیچیده یا بسته شده باشد، ساخته شده است.

یافته های باستان شناسی از الیاف کتان رنگ شده و پیچ خورده که در Dzudzuancave ماقبل تاریخ (۳۴۰۰۰ قبل از میلاد) در جمهوری گرجستان یافت شده است، و سوزن های خیاطی ساخته شده از عاج استخوانی (۳۰۰۰۰ قبل از میلاد) نشان می‌دهد که لباس ممکن است در اوایل تاریخ بشر نشأت گرفته باشد. در دوران ماقبل تاریخ سبک زندگی انسان‌ها با توجه به تغییرات آب و هوایی تغییر کرد که بر لباس پوشیدن نیز تأثیر گذاشت. بقایای لباس های آنها در دره ها و غارها پیدا شده است. ابزارها، لباس‌ها و لوازم جانبی در مسیرهای تجاری حرکت می‌کردند که در عصر برنز و آهن گسترش یافتند و تعریف شدند. فرض بر این است که خز، سنگ و غیره ممکن است در جوامع مختلف مبادله شده باشد. استفاده غالب از پوست حیوانات به دلیل نیاز به گرما ضروری بود. پوست‌ها را تراشیدند و خز را شانه کردند. سوزن چشمی از استخوان یا شاخ برای مونتاژ قطعاتی که توسط یال‌های بلند و دم اسب‌ها و همچنین تاندون‌های گوزن شمالی رزوه‌شده بودند استفاده می‌شد. بقایای کمی از لباس‌های دوران اولیه باقی مانده است، زیرا پارچه‌های ساخته شده از الیاف گیاهی مانند راش (علف)، کتان و غیره فاسد شدنی هستند. باستان شناسی از علمی ترین روش ها بر روی نمونه های باقی مانده از منسوجات ماقبل تاریخ برای استخراج کامل ترین اطلاعات در مورد مواد و تکنیک های ساخت استفاده می کند. (غیبی، ۱۳۹۵)

نانو تکنولوژی

فناوری نانو موج چهارم انقلاب صنعتی، پدیده‌ای عظیم است که در تمامی گرایش‌های علمی راه یافته واز فناوریهای نوینی است که با سرعت هرچه تمام تر در حال توسعه می‌باشد. از ابتدای دهه ۱۹۸۰ میلادی گستره طراحی و ساخت ساختمانها هر روزه شاهد نوآوری‌های جدیدی در زمینه مصالح کارآرتر و پربازده ترمقاومت، شکل پذیری، دوام و توانایی بیشتر نسبت به مصالح سنتی است.

فناوری نانو یا نانو تکنولوژی رشته‌ای از دانش کاربردی و فناوری است که جستارهای گسترده‌ای را پوشش می‌دهد. موضوع اصلی آن نیز مهار ماده یا دستگاه‌های در ابعاد کمتر از یک میکرومتر، معمولاً حدود ۱ تا ۱۰۰ نانومتر است. در واقع نانو تکنولوژی فهم و به کارگیری خواص جدیدی از مواد و سیستم‌هایی در این ابعاد است که اثرات فیزیکی جدیدی - عمدتاً متاثر از غلبه خواص کوانتومی بر خواص کلاسیک - از خود نشان می‌دهند.

نانوفناوری یک دانش به شدت میان‌رشته‌ای است و به رشته‌هایی چون مهندسی مواد، پزشکی، داروسازی و طراحی دارو، دامپزشکی، زیست‌شناسی، فیزیک کاربردی، ابزارهای نیم رسانا، شیمی ابرمولکول و حتی مهندسی مکانیک، مهندسی برق و مهندسی شیمی نیز مربوط می‌شود.

تحلیل گران بر این باورند که فناوری نانو (نانو تکنولوژی)، فناوری زیستی (Biotechnology) و فناوری اطلاعات (IT) سه قلمرو علمی هستند که انقلاب سوم صنعتی را شکل می‌دهند. نانو تکنولوژی می‌تواند به عنوان ادامه‌ی دانش کنونی به ابعاد نانو یا طرح‌ریزی دانش کنونی بر پایه‌هایی جدیدتر و امروزی‌تر باشد.

-تاریخچه

در حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، دموکریتوس فیلسوف یونانی، برای اولین بار واژه اتم را که در زبان یونانی به معنی تقسیم نشدنی است، برای توصیف ذرات سازنده مواد به کار برد. از این رو شاید بتوان او را پدر فناوری و علوم نانو دانست. نانو ریشه یونانی "نانس" به معنی کوتوله می‌باشد. فناوری نانو موج چهارم انقلاب صنعتی، پدیده‌ای عظیم می‌باشد که در تمامی گرایش‌های علمی راه یافته است تا جایی که در یک دهه‌ی آینده برتری فرایندها، وابسته به این تحول خواهد بود. ماهیت فناوری نانو توانایی کارکردن در تراز اتمی، مولکولی و فراتر از آن در ابعاد بین ۱ تا ۱۰۰ نانومتر، با هدف ساخت و دخل و تصرف در چگونگی آرایش اتم‌ها یا مولکول‌ها با استفاده از مواد، وسایل و سیستم‌هایی با توانایی‌های جدید و با تغییر این ساختارها و رسیدن به بازدهی بیشتر مواد می‌باشد.

فناوری نانو فرایند دستکاری مواد در مقیاس اتمی و تولید مواد و ابزار، به وسیله کنترل آنها در سطح اتم‌ها و مولکولهاست. در واقع اگر همه مواد و سیستم‌ها ساختار زیربنایی خود را در مقیاس نانو ترتیب دهند؛ آنگاه تمام واکنش‌ها سریع‌تر و بهینه‌تر صورت می‌گیرد و توسعه پایدار پیش گرفته می‌شود. از جمله دستاوردهای فراوان این فناوری کاربرد آن در تولید، انتقال، مصرف و ذخیره‌سازی انرژی با کارایی بالاست که تحول شگرف را در این زمینه ایجاد می‌کند. از اینرو دست‌اندرکاران و محققان علوم نانو در تلاش‌اند تا با استفاده از این فناوری به آسایش و رفاه بیشتر در درون و برون ساختمان با یافتن طبقه جدیدی از مصالح ساختمانی با عملکرد بالا و صرفه‌جویی در هزینه‌ها بخصوص در مصرف منابع انرژی و در نهایت به توسعه پایدار دست

یابند. فناوری نانو منجر به تغییرات شگرف در استفاده از منابع طبیعی، انرژی و آب خواهد شد و پساب و آلودگی را کاهش خواهد داد. (یملع، ۱۳۸۳)

- کاربردهای فناوری نانو در پوشاک

۱. منسوجات دافع آب

تکمیل منسوجات پوشش داده شده مثل مقاوم به شعله، ضد آب، ضد میکروبی، مقاوم به اشعه ماوراء بنفش، با عطر و رایحه محصور و غیره تقاضای زیادی دارند.

دفع آب و خاک یکی از اهداف اصلی دانشمندان و تولیدکنندگان پارچه و الیاف در جهان می باشد. پارچه های دافع آب، آب را از سطح پارچه دفع می کنند، این حال چندین روش وجود دارد که در آن آب می تواند از سطح پارچه دفع شود. رایج ترین ماده شیمیایی مورد استفاده برای آبگریزی، فلور آلکالی سیلانها هستند که به علت انرژی آزاد سطحی بسیار کمشان و واکنش ساده گروههای سیلان با گروههای هیدروکسیل در پوشش دهی می باشد. همچنین اکثر سطوح فوق چربی گریز (ضد لک) به وسیله آبگریز کردن مواد پرفلورینه شده ایجاد می شوند.

۲. خیس خوردگی

خیس خوردگی یکی از مهمترین ویژگیهای یک سطح جامد میباشد و زاویه تماس معمولاً برای تشخیص خیس خوردگی سطح بکار می رود. سطحی با زاویه های تماس بیشتر از ۱۵۰ درجه و زاویه لغزش کوچک (زاویه بحرانی ای که آب با یک وزن خاص شروع به لغزیدن به پایین در صفحه شیبدار میکند) معمولاً یک سطح فوق آبگریز نامیده میشود. سطوح فوق آبگریز به علت کاربردهای عملی بالقوه شان مانند ضد چسبندگی، ضد آلودگی و پوشش خود تمیز کنی بیشتر مورد توجه هستند. این مکانیسم مشابه تاثیر نیلوفر آبی در طبیعت است. گیاهان نیلوفر آبی سطوح فوق آبگریز دارند که خشن و دارای بافت ریز است، هنگامیکه قطرات آب بر روی آنها قرار میگیرد، اگر سطحش شیب کمی داشته باشد، قطرات به پایین می غلظند. در نتیجه سطوح حتی پس از یک بارش شدید خشک باقی می ماند، علاوه بر این قطرات همانطور که میچرخند ذرات کوچک خاک را جذب میکنند، بنابراین برگهای گیاه نیلوفر آبی حتی طی بارش سبک باران هم تمیز می ماند.

۳. ویژگی ضد باکتریایی

طیف وسیعی از محصولات نساجی ضد میکروبی گزارش شده است و فقط تعداد کمی از آنها که دارای خواص ضد میکروبی ممتاز نقره به فرم نانو هستند، تجاری شده اند. نانو ذرات نقره حاوی پوشش های ضد میکروبی، در مراقبت از زخم و جراحی به کار می روند و پذیرش گسترده ای در صنعت پزشکی به دست آورده اند و به عنوان وسیله ای ایمن و موثر، رشد میکروبی در زخم را کنترل میکنند و اغلب منجر به بهبود درمان می شوند. طیف وسیعی از منسوجات پزشکی بر پایه نقره برای رشد و سلامت توسعه داده شده و تجاری شده اند.

۴. محافظت در برابر اشعه ماوراء بنفش

همچنین مشخص شده است که ذرات اکسید روی و اکسید تیتانیوم در ابعاد نانو، کارآمدتر از اندازه های متداول در جذب و پراکندگی اشعه UV می باشند و بنابراین توانایی بیشتری در جلوگیری از اشعه UV دارند زیرا سطحشان نسبت به حجمشان بیشتر است.

تلاشهای زیادی برای کاربرد روشهای محافظت در برابر UV در الیاف با استفاده از نانو تکنولوژی انجام شده است. روش جلوگیری از UV برای الیاف پنبه با استفاده از روش سل-ژل توسط xim و همکارانش انجام شد. که در آن بر روی سطح عمل آوری شده الیاف پنبه، یک لایه نازک از نانو ذرات اکسید تیتانیوم تشکیل شد که حفاظت عالی در برابر UV را فراهم میکند. فرآیند تکمیل حتی پس از ۵۰ بار شستشو در منزل با دوام باقی می ماند. به غیر از اکسید تیتانیوم، نانو میله های اکسید روی هم با طول ۱۰-۵۰ nm در الیاف پنبه به منظور محافظت در برابر UV بکار گرفته شد. (یملع، ۱۳۸۳)

نتیجه گیری

در این پژوهش نتایج حاصل از مطالعات گویای این مطلب است که در گذشته صنعت بافت پارچه ها در ایران گسترده تر بوده تا جایی که با پیشرفت این صنعت در جهان برابری می کرده است. به طوری که تا زمان صفویان که عصر طلایی پارچه بافی برای ایران بود ولی بعد از این دوره با واردات منسوجات خارجی به لحاظ ارتباط با کشورهای اروپایی و هندوستان و از طرف دیگر تغییر تکنیک پارچه بافی در تزئین تولیدات در ایران به طور کلی مشرق زمین (به خاطر جلب توجه غربی ها) برای ایجاد بازار مناسب سبب شد که تولیدات داخلی راه انحطاط و ضعف را ببیماید و بازار منسوجات خودی از رونق بیفتد.

عواملی از قبیل ضعف قدرت حکومتها و نفوذ بیگانگان در فرهنگ و تمدن ایران و همچنین غارتگری بیگانگان و نفوذ آنها باعث از بین رفتن ریشه های این هنر و جایگزینی فرهنگ غربی ها به جای صنعت پارچه بافی و فراموشی سنت و هنر ایران شد. نتیجه اینکه این با ارزش گذاری بر هنر و تمدن و حفظ قدرت و جلوگیری از نفوذ فرهنگ و چیرگی قدرت بیگانگان و داشتن علم پژوهش تاریخ شناسی و مطالعه و بررسی آن علل پیشرفت و انحطاط بتوانیم به پیشرفت و توسعه این هنر کمک کنیم.

منابع

- الیاف شناسی، ستاره امیری ۱۳۸۵
- بهبزاد احمدی. شیمی نساجی. جلد دوم نشر کتب علمی فائد، تابستان ۱۳۶۴.
- توکلی، احمد، و دهقانی سانچ، جلال.(۱۳۸۹). بررسی عوامل تاثیر گذار بر توسعه صادرات صنعت نساجی (مطالعه موردی:صنعت نساجی استان یزد). دانش و توسعه.
- ستاری، سارا و بابایی، زینب، ۱۴۰۲، عدم شکار حیوانات جهت استفاده از پوست در صنعت چرم، شانزدهمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ.
- ستاره امیری. *الیاف شناسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۹. ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۰-۱۱۰-۹.
- سید صدر، سید ابوالقاسم. *دائرةالمعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن*. انتشارات سیمای دانش، ۱۳۹۰. ۶۸۵ و ۶۸۶
- داودی رکن آبادی ابوالفضل، شهناز نایب زاده، فتانه ذوالفقاری خرشکی، ۱۳۹۸ لارس اسوندسن،، ۳۱
- صفاریان دکتر الیاس، فکری مهسا، تاریخچه نساجی در جهان، ۱۳۹۱
- غیبی مهرسا، ۱۳۹۵، هشت هزارسال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، اسطوره، هیرمند
- فرهنگ مصدر در زبان فارسی، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب پارسی
- فرهنگ معین*، جلد دوم.
- کتاب پارچه و پارچه بافی در تمدن اسلامی-تهیه کننده:فریده طالب پور، تهران:سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)۱۳۹۷.
- کتاب قلمکار اصفهان از شروع درخشش در عصر صفوی تا به امروز-تهیه کنندگان:حسین یاوری، علیرضا بطلانی یادگار، هاله هلالی اصفهانی-نشر فرهنگستان هنر-پاییز ۸۵
- لغتنامه یدهدخدا
- محسن حاجی شریفی، جواد ساسان نژاد. *خصوصیات الیاف نساجی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳. ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۰۱-۰۱۴۲-۱
- موسوی بجنوردی، کاظم(۱۳۸۵)؛دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴، تهران:مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- نگاهی حسرت بار به تاریخچه بافت پارچه در ایران. (۱ مرداد ۱۳۸۴). تاریخ بازبینی ۱۸ مرداد ۱۳۹۲
- ویکتوریا جهانشاهی افشار. فرایند و روش های رنگرزی الیاف با مواد طبیعی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۸۰. ISBN ۹۶۴-۶۲۱۸-۰۰-۸
- یملع تیاس، مهر۱۳۸۳، گذری بر کاربردهای فناوری نانو به همراه درخت صنعت نانو (کاربردهای فناوری نانو)فضای جهانی- ۱/۲ شماره، ویرایش اول
- سایت ها

<https://www.dmargin.com>

<http://alalehtowel.com>

<https://www.chemcome.com>

<https://arga-mag.com>

<https://www.pardehedris.com>

<https://partextile.com>

<https://www.countingflowers.co.uk/scarf-history>

<https://vintagedancer.com/vintage/vintage-inspired-scarves-for-winter>

<https://mag.sarak-co.com/scarf-for-all-seasons/>

<http://hpsco.net>

<https://setmen.com/mag>

<https://www.digistyle.com/mag>

<https://www.modman.com>

<https://kiantp.com>

<https://misssmart.ir>